

نهادینه‌سازی فرهنگ نماز بر اساس سیر نزول آیات

زینب روستایی*

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران

طاهره کوهکن**

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱)

چکیده

از جمله موضوعاتی که از اولین سوره نازل شده بر پیامبر (ص) تا اواخر نزول آیات، پیوسته به آن پرداخته شده، بحث «نماز» است. قرآن برپایی نماز را یکی از صفات مؤمنان برمی شمرد. با توجه به مشرک بودن مردم عربستان، آیات باید هماهنگ با حال مخاطبان خود به ترتیبی نازل می شد که بتواند بیشترین تأثیر را بگذارد و به صورت یک فرهنگ نهادینه شود. این پرسش مطرح است که قرآن برای نهادینه کردن نماز چه شیوه‌ای را به کار برده است و چگونه مخاطبان را به این عمل واداشته است؟ برای پاسخ، آیات را به ترتیب سیر نزول و به روش توصیفی تحلیلی بررسی نموده ایم. قرآن در ابتدا به تبیین اثر نماز یا ترک آن در سعادت یا شقاوت انسان پرداخته است. سپس افرادی را به عنوان الگو معرفی می کند. در مرحله بعد، احکامی از نماز را بیان می نماید. بعد از آن، به معرفی ارزش‌های همنشین با نماز می پردازد و آنگاه صفات نمازگزاران را برمی شمرد. به دنبال آن، به تأثیر نماز در زندگی می پردازد و دستورهای خداوند را در قالب داستان‌هایی از بنی اسرائیل ارائه می دهد. نتایج حاکی از آن است که قرآن کریم در نخستین گام به تبیین تأثیر نماز و نتیجه آن و آنگاه به احکام و معرفی الگو می پردازد. محتوای آیات مکی مربوط به نماز بر محور خودسازی فردی و جریان‌سازی است، اما آیات مدنی بر جنبه تمدن و جامعه‌سازی نماز تأکید دارند. در آیات مکی، الگوهای متعددی برای نمازگزاران معرفی شده است، اما آیات مدنی به تناسب سیاق کمتر به این امر پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: نهادینه‌سازی نماز، ترتیب نزول، سعادت و شقاوت، الگوسازی، احکام نماز.

* E-mail: zeinabroostae@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: t.ko.1368@yahoo.com

مقدمه

تدوین قرآن به شکل کنونی از صدر اسلام صورت گرفته است. گرچه برخی آن را توقیفی و مربوط به عصر حضرت رسول^(ص) می‌دانند و عده‌ای هم این ترتیب را غیر توقیفی دانسته‌اند و آن را به متصدیان فراهم‌سازی مصحف بعد از رحلت پیامبر نسبت می‌دهند، اما این مسئله روشن است که اگر صورت دوم صحیح باشد، ائمه معصوم^(ع) هم این ترتیب را بدون کم و کاست و ایجاد تغییری پذیرفته‌اند و این امر به صورت سنت قطعی آنان در جامعه شناخته شده است. بر اساس همین ترتیب نیز تفسیرهای فراوانی نوشته، به جامعه عرضه شده است. اما تا دهه‌های اخیر کسی به فکر نگارش تفسیری از قرآن بر اساس ترتیب نزول نیفتاده بود. در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری قمری، شماری از دانشوران اسلامی اندیشه تفسیر بر اساس ترتیب نزول را عملی کردند و تفاسیری بر همین اساس نوشتند.

ما در پی اثبات صحیح یا غلط بودن تفسیر قرآن با رویکردی خاص نیستیم، بلکه بر این اعتقادیم که هم تفسیر به صورت ترتیب کنونی فوایدی دارد و هم به صورت ترتیب نزولی از محسنات دیگری برخوردار است. اما ضعفی که در تفسیر بر اساس ترتیب نزول وارد است، اینکه اختلاف در سیر نزول سوره‌ها و آیات بسیار زیاد است که هر محقق را دچار شک و تردید می‌کند. روایت سیر نزولی که بیشتر بزرگان بر آن اتفاق نظر دارند، روایت ابن عباس است. در این تحقیق، ترتیب آیات مربوط به نماز را بر اساس همان روایت بررسی می‌کنیم. در ارتباط با پیشینه موضوع شایسته ذکر است که در بررسی منابع پژوهشی و پایگاه‌های اطلاعاتی، تحقیقی با این موضوع یافت نشد.

نماز یکی از اعمالی است که در تمام ادیان به آن تأکید شده است و از جمله عبادات آن‌ها به حساب آمده است و تمام پیامبران هم به انجام آن سفارش شده بودند. قرآن کریم از آن به وفور سخن گفته است و آن را جزء اعتقادات و احکام واجب برمی‌شمرد، تا حدی که یکی از شرایط قبول توبه مشرکان را اقامه نماز می‌داند.

در این پژوهش، برآنیم تا روش نهادینه کردن فرهنگ نماز را در جامعه مشرک و جاهل عربستان بررسی کنیم. برای این مقصود، آیات مربوط به نماز را بر اساس ترتیب نزول آن‌ها تنظیم کرده، در آن‌ها کنکاش می‌کنیم، تا برای سؤالات زیر پاسخی به دست آوریم:

- قرآن کریم برای افراد مشرکی که بویی از ایمان نبرده بودند و اعتقادات معنویشان هم به همان دنیای مادی ختم می‌شد، از کجا و چگونه شروع به مطرح کردن موضوع نماز می‌کند؟

- پس از آن چه مراحل را پشت سر می‌گذارد تا آن موضوع نقش خود را برای مردم به شکل یک فرهنگ در جامعه ثابت کند؟

۱. معنای لغوی صلاة

ابن فارس معتقد است که این واژه دو ریشه دارد. یکی از آن دو، آتش و آنچه شبیه آن است از گرما، و دیگری از جنس عبادت می‌باشد. صلاة از ریشه دوم و به معنای دعا است. صلاتی هم که در شرع آمده، شامل رکوع، سجود و سایر حدود نماز است. راغب هم همین مفهوم را با تفاوت‌هایی جزئی بیان کرده است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۹۹۱م: ذیل «صلو» و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ذیل «صلو»). زبیدی «صلوتا» را واژه‌ای عبری می‌داند که در اصل کنیسه‌های یهود به کار می‌رفت و متناسب با عبادت «صلاة» است که در آنجا انجام می‌شد (ر.ک؛ زبیدی، ۱۴۲۲ق: ۴۴۰). در العین آمده است: «صَلَوَاتُ الْيَهُودِ كَنَائِسُهُمْ وَاحِدُهَا صَلَوَةٌ أَوْ صَلَوَاتَا» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ذیل «صلو»). فیروزآبادی نیز به این حقیقت اشاره می‌کند، آنجا که می‌گوید: «الصَّلَوَاتُ كَنَائِسُ الْيَهُودِ وَأَصْلُهُ بِالْعِبْرَانِيَّةِ صَلَوَاتَا» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: ۱۳۰۴). مصطفوی این ریشه را به دو شکل واوی (صلو) و یایی (صلی) می‌داند که صلوا از زبان سریانی و آرامی گرفته شده است و به معنای عبادت مخصوص می‌باشد و در عربی از آن به «صلاة» تعبیر می‌شود (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰).

ذیل «صلو»). در اصطلاحات فقهی، صلاة را به معنای نماز دانسته‌اند (ر.ک؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری؛ <https://www.leader.ir/fa>: ۱۳۹۸/۰۲/۲۶).

بعضی وجه تسمیه نماز را به صلاة از باب نامگذاری کُل به جزء دانسته‌اند. در حقیقت، در نماز توجه و انعطافی از بنده به خدا است، همان طور که از خدا به بنده هست و نماز در واقع، یادآوری مخصوص خدا و روی کردن به سوی اوست با کیفیتی که شرع بیان داشته است و فریضه نماز، «صلاة» نامیده شده است؛ زیرا نماز گزار با اعمال خود و به جا آوردن آن مطابق دستورهای الهی، پذیرش خواسته خود و بهره‌مندی از ثواب الهی را طلب می‌کند (ر.ک؛ طبری، ۱۳۷۴: ۲۴۸). ابن منظور هم در این زمینه معتقد است با توجه به اینکه در نماز، دعا و استغفار هست، لذا به آن صلاة گفته شده است (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق.، ج ۱۴: ۴۶۵).

بی تردید برخی از الفاظی که در غیر معنای لغوی آن (به‌طور مجاز) نزد اهل شرع استعمال شده‌اند، کم‌کم در همان معانی جدید حقیقت پیدا نموده‌اند؛ مثل کاربرد نماز در افعال مخصوص، پس از اینکه در لغت برای دعا وضع شد و کاربرد واژه «زکاة» برای مقداری که از مال خارج می‌کنند، پس از آنکه بر رشد و نمو وضع شد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.:: ۳۸۰).

پس از این اتفاق نظر، اختلاف در این است که آیا این تغییر و دگرگونی به وضع و تعیین شارع انجام شد؟ آیا شارع مقدس این الفاظ را بر این معانی تعیین نموده است، به نحوی که بدون قرینه بر آن معانی دلالت کند تا حقیقت شرعی باشد، یا به دلیل استعمال این الفاظ در این معانی در زبان اهل شرع غلبه پیدا کرده است و شارع این را به شکل مجاز به کار می‌برده که در این صورت، فقط حقیقت عرفیه می‌شود، نه شرعی. ثمره اختلاف اینکه اگر در کلام شارع این الفاظ بدون هیچ قرینه‌ای به کار روند. بر اساس قول اول، بر همین معانی ثانوی حمل می‌شوند، اما بنا بر قول دوم، بر معانی لغوی حمل می‌شوند، ولی اگر در کلام اهل شرع به کار رفته باشد، حتماً بر معانی شرعی آن حمل

می‌شود (ر.ک؛ زین الدین، بی تا: ۳۵)؛ مثلاً در این حدیث که امام صادق (ع) فرمود: «صَلُّوا إِلَى جَانِبِ قَبْرِ النَّبِيِّ، وَإِنْ كَانَتْ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ تَبْلُغُهُ أَيْنَمَا كَانُوا» (کلینی، ۱۴۲۹ق.، ج ۹: ۲۵۶)، نمی‌دانیم که منظور امام (ع)، نماز به سمت قبر پیامبر خدا (ص) است و یا صلوات و درود بر آن حضرت؟ با توجه به مطالب بالا، چون این استعمال پس از شارع صورت گرفته‌است. لذا حمل بر معنای شرعی (= نماز) می‌شود، مگر اینکه - مانند روایت فوق - قرینه‌ای دلالت کند بر اینکه منظور امام (ع)، صلوات و درود بوده‌است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۸: ۲۶۴).

۲. نماز در ادیان پیش از اسلام

نماز قدیمی‌ترین عبادتی است که در تمام ادوار گذشته حضور داشته‌است. از قرآن کریم استفاده می‌شود که نماز در امت‌های پیشین هم بوده‌است. همه پیامبران از حضرت آدم تا حضرت خاتم نماز می‌خواندند، اما شکل و کیفیت آن متفاوت بوده‌است، تا جایی که پیامبر اسلام آن را به عنوان شیوة تمامی پیامبران یاد کرده‌است (ر.ک؛ مجلسی، بی تا، ج ۸۲: ۲۳۱).

خداوند متعال خطاب به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه/۱۴). همچنین، قرآن کریم به نقل از حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ (مریم/۳۱) و نیز از زبان حضرت اسماعیل (ع) می‌فرماید: ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾ (مریم/۵۵).

مفسران اتفاق نظر دارند بر اینکه مقصود از «صلاة» در آیات فوق نماز می‌باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۷؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۶: ۳۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۸۰۰ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱۳: ۵۳).

۳. شرایط جامعه عربستان قبل از اسلام

سخنان امام علی^(ع) در نهج البلاغه در بیان اوضاع عرب قبل از اسلام نشان‌دهنده انحطاط فکری و فساد اخلاقی آنان می‌باشد:

«ای گروه عرب بر بدترین آیین و در نابسامان‌ترین شرایط می‌زیستید. در میان سنگلاخ‌های ناهموار و مارهای پُرزهری که از آوازا نَرَمند، گویی کَرند. آب آلوده و ناگوار می‌نوشیدید و غذای نامناسب و غیربهداشتی می‌خوردید، خون یکدیگر می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را بریده بودید. بُت‌پرستی میان شما رایج بود و گناهان دایر» (نهج البلاغه/ خ ۲۶).

امیرمؤمنان اوضاع مذهبی ملل عرب را چنین تشریح می‌کند: «مردم آن روز دارای مذهب‌های گوناگون، بدعت‌های مختلف و طوائف متفرق بودند. گروهی خداوند را به خلقش تشبیه می‌کردند و برخی در اسم او تصرف می‌کردند. جمعی به غیر او اشاره می‌کردند» (همان/ خ ۱).

طبقه روشنفکر عربستان ستاره و ماه را می‌پرستیدند، اما طبقه منحط که بیشینه سکنه عربستان را تشکیل می‌داد، علاوه بر بُت‌های قبیله‌ای و خانگی به تعداد روزهای سال، ۳۶۰ بُت می‌پرستیدند و حوادث هر روز را به یکی از آنها وابسته می‌دانستند. با توجه به حال مردمی با این خصوصیات، قرآن و آیات مربوط به نماز برای آنها نازل می‌شد تا آرام آرام آنان را از این شکل زندگی بیرون بیاورد و فرهنگ‌هایی چون برپایی نماز را در جامعه ایجاد کند.

۴. ترتیب نزول

در ترتیب سوره‌های قرآن بر اساس تاریخ نزول اختلاف هست. مجموع نظرات موجود درباره این موضوع به بیش از سی نظر متفاوت می‌رسد. در این میان، روایت ابن عباس مورد اعتماد بیشتر بزرگان می‌باشد (ر.ک؛ یعقوبی، ۱۹۶۴م، ج ۲: ۲۶ و ۳۵؛

ابن ندیم، بی تا: ۴۳-۴۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۴۰۵-۴۰۶). ما هم در این تحقیق، ترتیب سوره‌ها را بر اساس همان روایت بررسی می‌کنیم:

ردیف	نام سوره	شماره آیه	ترتیب نزول	محل نزول
۱	الفاتحه	۷	۵	مکه
۲	البقره	۲۸۶	۸۷	مدینه
۳	آل عمران	۲۰۰	۸۹	مدینه
۴	النساء	۱۷۶	۹۲	مدینه
۵	المائده	۱۲۰	۱۱۳	مدینه
۶	الأنعام	۱۶۵	۵۵	مکه
۷	الأعراف	۲۰۶	۳۹	مکه
۸	الأنفال	۷۵	۸۸	مدینه
۹	التوبة	۱۲۹	۱۱۴	مدینه
۱۰	یونس	۱۰۹	۵۱	مکه
۱۱	هود	۱۲۳	۵۲	مکه
۱۲	یوسف	۱۱۱	۵۳	مکه
۱۳	الرعد	۴۳	۹۶	مدینه
۱۴	ابراهیم	۵۲	۷۲	مکه
۱۵	الحجر	۹۹	۵۴	مکه
۱۶	النحل	۱۲۸	۷۰	مکه
۱۷	الإسراء	۱۱۱	۵۰	مکه
۱۸	الکھف	۱۱۰	۶۹	مکه

مکه	۴۴	۹۸	مریم	۱۹
مکه	۴۵	۱۳۵	طه	۲۰
مکه	۷۳	۱۱۲	الأنبياء	۲۱
مدینه	۱۰۴	۷۸	الحج	۲۲
مکه	۷۴	۱۱۸	المؤمنون	۲۳
مدینه	۱۰۳	۶۴	النور	۲۴
مکه	۴۲	۷۷	الفرقان	۲۵
مکه	۴۷	۲۲۷	الشعراء	۲۶
مکه	۴۸	۹۳	النمل	۲۷
مکه	۴۹	۸۸	القصص	۲۸
مکه	۸۵	۶۹	العنكبوت	۲۹
مکه	۸۴	۶۰	الروم	۳۰
مکه	۵۷	۳۴	لقمان	۳۱
مکه	۷۵	۳۰	السجدة	۳۲
مدینه	۹۰	۷۳	الأحزاب	۳۳
مکه	۵۸	۵۴	سبأ	۳۴
مکه	۴۳	۴۵	فاطر	۳۵
مکه	۴۱	۸۳	یس	۳۶
مکه	۵۶	۱۸۲	الصفافات	۳۷
مکه	۳۸	۸۸	ص	۳۸
مکه	۵۹	۷۵	الزمر	۳۹

مکه	۶۰	۸۵	الغافر	۴۰
مکه	۶۱	۵۴	الفصلت	۴۱
مکه	۶۲	۵۳	الشوری	۴۲
مکه	۶۳	۸۹	الزخرف	۴۳
مکه	۶۴	۵۹	الدخان	۴۴
مکه	۶۵	۳۷	الجاتیه	۴۵
مکه	۶۶	۳۵	الأحقاف	۴۶
مدینه	۹۵	۳۸	محمد	۴۷
مدینه	۱۱۲	۲۹	الفتح	۴۸
مدینه	۱۰۷	۱۸	الحجرات	۴۹
مکه	۴۳	۴۵	ق	۵۰
مکه	۶۷	۶۰	الذاریات	۵۱
مکه	۷۶	۴۹	الطور	۵۲
مکه	۲۳	۶۲	النجم	۵۳
مکه	۳۷	۵۵	القمر	۵۴
مدینه	۹۷	۷۸	الرحمن	۵۵
مکه	۴۶	۹۶	الواقعة	۵۶
مدینه	۹۴	۲۹	الحديد	۵۷
مدینه	۱۰۶	۲۲	المجادلة	۵۸
مدینه	۱۰۱	۲۴	الحشر	۵۹
مدینه	۹۱	۱۳	الممتحنة	۶۰

مدينه	۱۱۱	۱۴	الصف	۶۱
مدينه	۱۰۹	۱۱	الجمعة	۶۲
مدينه	۱۰۵	۱۱	المنافقون	۶۳
مدينه	۱۱۰	۱۸	التغابن	۶۴
مدينه	۹۹	۱۲	الطلاق	۶۵
مدينه	۱۰۸	۱۲	التحریم	۶۶
مکه	۷۷	۳۰	الملک	۶۷
مکه	۲	۵۲	القلم	۶۸
مکه	۷۸	۵۲	الحاقه	۶۹
مکه	۷۹	۴۴	المعارج	۷۰
مکه	۷۱	۲۸	نوح	۷۱
مکه	۴۰	۲۸	الجن	۷۲
مکه	۳	۲۰	المزمل	۷۳
مکه	۴	۵۶	المدثر	۷۴
مکه	۳۱	۴۰	القيامة	۷۵
مدينه	۹۸	۳۱	الإنسان	۷۶
مکه	۳۳	۵۰	المرسلات	۷۷
مکه	۸۰	۴۰	النبا	۷۸
مکه	۸۱	۴۶	النازعات	۷۹
مکه	۲۴	۴۲	العبس	۸۰
مکه	۷	۲۹	التكوير	۸۱

مکه	۸۲	۱۹	الإنفطار	۸۲
مکه	۸۶	۳۶	المطففين	۸۳
مکه	۸۳	۲۵	الإنشقاق	۸۴
مکه	۲۷	۲۲	البروج	۸۵
مکه	۳۵	۱۷	الطارق	۸۶
مکه	۸	۱۹	الأعلى	۸۷
مکه	۶۸	۲۶	الغاشية	۸۸
مکه	۱۰	۳۰	الفجر	۸۹
مکه	۳۵	۲۰	البلد	۹۰
مکه	۲۶	۱۵	الشمس	۹۱
مکه	۹	۲۱	اللیل	۹۲
مکه	۱۱	۱۱	الضحی	۹۳
مکه	۱۲	۸	الإنشراح	۹۴
مکه	۲۸	۸	التین	۹۵
مکه	۱	۱۹	العلق	۹۶
مکه	۲۵	۵	القدر	۹۷
مدینه	۱۰۰	۸	البینه	۹۸
مدینه	۹۳	۸	الزلال	۹۹
مکه	۱۴	۱۱	العادیات	۱۰۰
مکه	۳۰	۱۱	القارعة	۱۰۱
مکه	۱۶	۸	التکاطر	۱۰۲

مکه	۱۳	۳	العصر	۱۰۳
مکه	۳۲	۹	الهمزة	۱۰۴
مکه	۱۹	۵	الفیل	۱۰۵
مکه	۲۹	۴	قریش	۱۰۶
مکه	۱۷	۷	الماعون	۱۰۷
مکه	۱۵	۳	الکوثر	۱۰۸
مکه	۱۸	۶	الکافرون	۱۰۹
مدینه	۱۰۲	۳	النصر	۱۱۰
مکه	۶	۵	المسد	۱۱۱
مکه	۲۲	۴	الإخلاص	۱۱۲
مکه	۲۰	۵	الفلق	۱۱۳
مکه	۲۱	۶	الناس	۱۱۴

۵. مراحل نهادینه کردن فرهنگ نماز

آیات مربوط به نماز را به دو بخش آیات مکی و مدنی تقسیم و بررسی می‌کنیم.

۵-۱. آیات مکی

قبل از هجرت پیامبر^(ص) در مکه معظمه با جامعه‌ای مشرک و بُت‌پرست روبه‌رو هستیم که ایمان در آن جایگاهی ندارد. در این جامعه، با توجه به احوال و اعتقادات مردم باید یک عمل دینی را معرفی و به تدریج نهادینه کرد. ما در اینجا طبق ترتیب نزول، آیات را بر اساس محتوا دسته‌بندی می‌کنیم.

۵-۱-۱. اثر انجام نماز یا ترک آن در سعادت یا شقاوت انسان

قرآن از «بهشت و جهنم» و «تبشیر و انذار» به عنوان جلوه‌هایی از تشویق و تنبیه برای هدایت انسان‌ها استفاده کرده است. در حقیقت مقصود از مژده دادن به بهشت، دلگرم کردن و تحریک افراد نسبت به اعمال خیر و مقصود از انذار از عذاب، برحذر داشتن از کارهای زشت است. به همین سبب، یکی از اهداف رسالت انبیاء را نوید و بیم دادن قرار داده است و می‌فرماید: ﴿... فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ...﴾ (البقره/۲۱۳).

در اولین آیات مربوط به نماز، به نکوهش مخالفان نماز یا تشویق نمازگزاران می‌پردازد. در ادامه، ابتدا به بررسی آیاتی که لحنی عتاب‌آمیز دارد، می‌پردازیم.

۵-۱-۱-۵. نکوهش مخالفان نماز

طبع انسان از مجازات رویگردان است. لذا ترس از این عامل می‌تواند او را از انجام بعضی اعمال بازدارد. طبیعی است که تنبیه نیز چون برای او امری دردآور است، سبب گریز او از عملی باشد که عاقبت آن، تنبیه است. در اینجا آیاتی را که مضمونی عتاب‌آمیز دارند، به ترتیب نزول بررسی می‌کنیم.

الف) ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ (العلق/۹-۱۰).

سورهٔ علق اولین سوره‌ای است که در اولین سال بعثت بر پیامبر نازل شد. در اولین آیهٔ مربوط به نماز، فردی را که نه تنها خود نماز نمی‌خواند، بلکه شخص نمازگزار را هم از آن عمل نهی می‌کند، به شدت نکوهش می‌کند. از آیهٔ ۹ تا آخر سوره را به انذار این شخص اختصاص داده است و صفاتی مثل «دروغگو» و «خطاکار» به او نسبت می‌دهد و در آخر اعلام می‌کند اگر آن شخص از کارش دست برندارد، او را به بدترین شکل که یاری‌کننده‌ای نداشته باشد، به دوزخ خواهیم افکند.

قرآن برای اینکه فرهنگ نماز را در جامعه جاهل آن روز جا بیندازد، ابتدا به نکوهش ضد آن پرداخت، به گونه‌ای که کسانی را که با انجام آن کار مخالفت می‌ورزیدند، مورد ملامت و تهدید قرار داد؛ گویی برای نهادینه‌سازی یک مسلک، نخست باید زشتی ضد آن را نشان داد تا طرفداران آن را به فکر وادارد که احتمال صحیح بودن خلاف افکارشان هم می‌رود و تضادی در ذهنشان ایجاد گردد. در دو آیه بعد هم درصدد روشن کردن همین ذهنیت است: ﴿رَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ﴾ (العلق / ۱۱-۱۲).

(ب) ﴿قَالُوا لِمَ نَك مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ (المدثر/۴۳).

ضمیر جمع در «قالوا» به مجرمان آیه ۴۱ برمی‌گردد که اصحاب یمین در برزخ از آن‌ها می‌پرسند: چه چیزی شما را به دوزخ انداخت؟! آن‌ها هم این جواب و به دنبالش جواب‌های دیگری می‌دهند.

مفسران دو احتمال برای «صلاة» در این آیه در نظر گرفته‌اند: ۱- نمازهای معمولی (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۵۹۲، مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۲۵۳ و فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۷۱۶). ۲- عبادتی خاص به درگاه خداوند که با عبادت در شرایع معتبر آسمانی از حیث کم و کیف مختلف است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۹۷).

قبل از اسلام، کسانی که عبادات دینی مخصوص خود را انجام نمی‌دادند، مجرم محسوب می‌شدند. این آیه نیز تنها مخصوص مسلمانان نیست. بنابراین، می‌توانیم مقصود از «صلاة» را عبادت مخصوص هر دینی بدانیم. در اینجا، غرض این است که کفار هم به اصول مکلف هستند، هم به فروع. اولین حرفی که می‌زنند، می‌گویند ما اهل نماز نبودیم (ر.ک؛ جوادی آملی، پایگاه اطلاع‌رسانی اسراء، <http://news.esra.ir>: ۲/۲۸/۱۳۹۸). اشخاصی که در این آیه نکوهش شده‌اند، افراد معمولی کاهل در نماز نیستند. طبق آیات بعد، این افراد به روز جزا هم ایمان ندارند و همین عقیده باعث بی‌ایمانی آن‌ها به سایر اعمال عبادی شده‌است.

(ج) ﴿قَوْلٍ لِّلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ (الماعون/۴-۵).

این آیات نماز گزارانی را که نسبت به نماز سهل‌انگار هستند، خطاب و عتاب می‌کند.

(د) ﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ (القیامه/۳۱).

آیت‌الله جوادی آملی مقصود از «صَلَّى» را در اینجا، «نماز خواندن» می‌داند (ر.ک؛ همان). این آیه مربوط به جان دادن فرد بی‌ایمانی است که اهل نماز نبوده‌است. مقصود از این افراد، کسانی نیست که از روی بی‌خیالی نماز نمی‌خوانند، اما به خداوند اعتقاد دارند؛ زیرا آن‌ها خداوند را تصدیق می‌کنند، اما در اعمال خود می‌لنگند که در آخر سوره، آن افراد را به عذاب سزاوارتر می‌داند.

به دنبال این آیات، در آیات ۱۸ فاطر و ۵۹ مریم هم همین لحن را به کار گرفته‌است. در تفاسیر، تحلیلی مبنی بر رابطه توبیخ و تأثیر آن بر انجام نماز گزارش نشده‌است. تقریباً پس از هر توبیخ و هشدار، یک یا دو تشویق و وعده مثبت وجود دارد. به این ترتیب، در الگوی مبتنی بر نظم نزولی قرآن برای دعوت به نماز، هم به وعده و هم به وعید توجه شده‌است.

۵-۱-۲. تشویق نماز گزاران

پس از آیاتی که با لحنی نکوهش‌آمیز کسانی را که نماز اقامه نمی‌کنند، مورد عتاب قرار می‌دهد، به آیاتی می‌پردازیم که لحنی متفاوت دارد و نماز گزاران را تشویق و از آنان تمجید می‌کند:

الف. ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِيمٌ أَن لَّنْ نُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا

حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ
 إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿المزمل/۲۰﴾.

در ابتدای این آیه، اهمیت تلاوت قرآن بیان می‌شود و در ادامه، از علم خداوند بر اینکه آن‌ها دچار اتفاقاتی مانند بیماری، سفر و جهاد در راه خداوند خواهند شد، می‌گوید و دستور می‌دهد که در آن صورت، هر قدر برایشان میسر است، قرآن بخوانند و نماز را به پا دارند و ...

مشکلی که در این جا به چشم می‌خورد، مربوط به محل نزول آیه است. در آیه از جهاد در راه خداوند که طبق واژه «يُقَاتِلُونَ» چیزی جز «در معرکه جنگ قرار گرفتن» نمی‌تواند باشد، سخن می‌گوید. در صورتی که اگر قبول کنیم این آیه در اوایل بعثت که دعوت پیامبر^(ص) به صورت پنهانی بوده است و هنوز درگیری خاصی صورت نگرفته، نازل شده باشد، جایگاهی برای جنگ وجود ندارد. اما این اشکال شاید با جمله «عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ» که نشان‌دهنده این است که به زودی این اتفاقات خواهد افتاد، قابل رفع باشد.

در تفسیر نمونه هم ذیل این آیه و اشکال آمده است: «با توجه به اینکه می‌فرماید "سَيَكُونُ"، ممکن است این جمله خبر از تشریح جهاد در آینده باشد؛ یعنی چون عذرهایی در حال دارید و عذرهایی در آینده برای شما پیدا می‌شود، این حکم به صورت دائمی درنیامد و به این صورت با مکی بودن آیه منافات ندارد» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۱۹۶).

اشکال دیگری که بر ترتیب نزول سوره وارد است، اینکه در آیه، تشویق زیادی برای تلاوت قرآن می‌شود، در صورتی که آیات کمی بر پیامبر نازل شده است. این اشکال هم شاید به این شکل حل شود که آیه بیست طبق گفته علامه طباطبائی، برخلاف آیات قبل خود در مدینه نازل شده باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۷۴). همچنین، در تفسیر المیزان آمده است:

«در اخبار زیادی وارد شده که خصوص این آیه بعد از گذشتن هشت ماه و یا یک سال و یا ده سال از نزول آیات اول سوره در مکه نازل شد، ولیکن این حرف از این نظر سُست است که در آیه شریفه، جمله ﴿...أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...﴾ آمده‌است و ظاهر آن این است که مراد از "زکات" - مخصوصاً بدان سبب که بعد از نماز و قبل از مسئله انفاق مستحبی آمده - زکات واجب باشد و همه می‌دانیم که زکات بعد از هجرت در مدینه واجب شد. پس نزول این آیه در مدینه بوده‌است. اینکه بعضی گفته‌اند: زکات در مکه واجب شد، ولی نصاب آن تعیین نشد تا اینکه در مدینه معین گردید و نیز اینکه بعضی دیگر گفته‌اند ممکن است آیه شریفه قبل از حکم خود نازل شده باشد و حکم آن بعد از مدتی که از نزول آیه گذشت، واجب شده باشد، وجوهی بدون دلیل هستند. علاوه بر این، در آیه شریفه، سخن از قتال هم رفته است و می‌فرماید: ﴿...وَآخَرُونَ يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾. با اینکه می‌دانیم در مکه مصلحت نبوده که در متن آیه سخن از قتال به میان آید. به هر حال، ظاهر این است که آیه شریفه در مدینه نازل شده باشد» (همان، ج ۲۰: ۷۴).

ایشان مراد از «نمازی که مأمور شده‌اند به جای آورند»، نمازهای واجب می‌داند. بنابراین، اگر آیه را مدنی بدانیم، منظور همین نمازهای واجب پنجگانه خواهد بود و اگر مکی باشد، باید بگوییم منظور از آن، نمازهایی است که قبل از هجرت واجب بوده‌است (ر.ک؛ همان، ج ۲۰: ۷۷).

آیت‌الله معرفت درباره محل نزول آیات عقیده دارند که هر سوره‌ای که مکی است، تمام آیاتش مکی است و هر سوره‌ای که مدنی باشد، تمام آیاتش مدنی خواهد بود (ر.ک؛ معرفت، بی تا: ۴۵).

با توجه به توضیحات متفاوت محل نزول این آیه، نتیجه‌گیری درباره مکی یا مدنی بودن آن دشوار به نظر می‌رسد و نیاز به تحقیق گسترده و تخصص ویژه‌ای دارد. از این موضوع که بگذریم، لحن آیه مورد نظر، تشویق کردن و رغبت دادن به سمت کارهایی

است که در آن ذکر می‌کند. در اینجا، با لحنی متفاوت برمی‌خوریم که به پشت گرمی طرفداران یا عاملان نماز می‌پردازد و آن‌ها را به سمت انجام آن سوق می‌دهد.

(ب) ﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ (الأعلى/۱۵).

خداوند متعال در آیه قبل، یعنی ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ (الأعلى/۱۴)، کسی را رستگار می‌داند که هم تزکیه داشته باشد و هم به یاد خداوند باشد و نماز گزارد. در ادامه و در آیه ۲ سوره کوثر، پیامبر را در عوض خیر کثیری که به او عطا کرده‌است، به نماز فرامی‌خواند. پس از آن، در آیه ۱۷۰ سوره آل‌عمران، دل برپادارندگان نماز را گرم می‌کند که اجر آنان محفوظ است و در پایان، در آیه ۲۹ سوره فاطر، کسانی را که قرآن تلاوت و اقامه نماز می‌کنند و انفاق می‌دهند، به تجارتی پرسود و خالی از کساد بشارت می‌دهد.

امیر مؤمنان علی^(ع) در نامه خود به مالک اشتر، تشویق را عامل تحریک برمی‌شمارند (نهج البلاغه / ن ۵۳). از این رو، هر رونده‌ای نیاز به پشتوانه و مشوقی دارد تا در آن مسیر ثابت قدم بماند و با طعنه‌هایی که می‌شنود، از پا در نیاید. قرآن هم پس از تهدیدی که به مخالفان می‌کند، در اینجا به عاملان به نماز اطمینان می‌بخشد که در ازای هر کار نیکشان، اجری افزون‌تر خواهند برد.

۵-۱-۱-۳. الگوسازی

به نظر واضعان نظریه یادگیری اجتماعی، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای است. یادگیری مشاهده‌ای همان سرمشق‌گیری است که در آن فرد با انتخاب یک الگو به تقلید از رفتار آن می‌پردازد (ر.ک؛ قائمی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۵-۳۷). امام صادق^(ع) به این امر توجه می‌دهند: «مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید، نه با زبان خویش» (نمازی شاهرودی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲: ۲۷۸).

در جامعه مشرک مکه که تنها عده کمی از مؤمنان نماز را برپا می‌داشتند، نیاز به الگوهایی بود تا بتوانند زیر ظلم مشرکان دوام آورند و ایمان آنان مستحکم‌تر شود. از این رو، از سوره مریم فضای جدیدی بر آیات نماز حاکم می‌شود و نماز خواندن و دعوت دیگران به آن، شیوه اولیاءالله و اهل تقوا شمرده می‌شود و بدین ترتیب، به الگوسازی برای نماز گزاران می‌پردازد. از زاویه‌ای دیگر، هنگامی می‌توان از یک مسلک پیروی نمود که سران آن، خود پیش از همه به دستورهایش عمل کنند.

○ حضرت عیسی^(ع)

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَمَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ (مریم/۳۱).

کلمات این آیه از زبان حضرت عیسی^(ع) است که به قوم خود فرمود: «خداوند وجود مرا پربرکت قرار داده است و مرا به نماز و زکات توصیه کرده است».

○ حضرت اسماعیل^(ع)

﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾ (مریم/۵۵).

این آیه هم درباره حضرت اسماعیل است که خانواده‌اش را به نماز و زکات امر می‌کرد.

○ حضرت موسی^(ع)

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه/۱۴).

این آیه داستان کوه طور و سخن گفتن خداوند با حضرت موسی^(ع) را بازگو می‌کند که خداوند بعد از آنکه خود را معرفی می‌کند، می‌فرماید: «مرا عبادت کن و نماز را برای یاد من به پا دار».

○ حضرت محمد (ص)

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾
(طه/۱۳۲).

در این آیه، خداوند به پیامبر (ص) فرمان می‌دهد که خانواده‌ات را به نماز امر کن. در آیات ۳۷ و ۴۰ سوره ابراهیم و ۷۳ سوره انبیاء، حضرت ابراهیم (ع) و فرزندان او را به عنوان اقامه‌کنندگان نماز معرفی می‌کند.

در تفاسیر به وجه الگوسازی در این آیات توجه چندانی نشده است. اما اصل در این است که روش الگوسازی و طرح داستان‌های گذشته مدام در قرآن استفاده می‌شود؛ زیرا تربیت به صورت طرح داستان، تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت و انسان همواره نیاز به نمادی برای رشد خود دارد.

۵-۱-۳. بیان نخستین احکام نماز

۵-۱-۳-۱. زمان اقامه نماز

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُكُورِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ (الإسراء/۷۸).

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ﴾ (هود/۱۱۴).

برای اولین بار در آیه ۷۸ سوره اسراء و بعد به فاصله‌ای اندک در آیه ۱۱۴ سوره هود، زمان انجام نماز را تعیین می‌کند. آیه اول زمان ادای نمازهای پنجگانه و آیه دوم وقت انجام سه نماز صبح، مغرب و عشاء را به طور کلی تعیین می‌کند.

«دلوک شمس» به معنی زوال آفتاب از دائرة نصف النهار است که وقت ظهر می‌باشد و اما «غسق اللیل» با توجه به اینکه «غسق» شدت ظلمت است و تاریکی شب در نیمه‌شب از هر وقت متراکم‌تر می‌باشد، این کلمه روی هم‌رفته «نیمه‌شب» را می‌رساند. «قرآن» به معنی چیزی است که قرائت می‌شود و «قرآن فجر» اشاره به «نماز فجر» است... آیه فوق از آیاتی است که اشاره اجمالی به وقت نمازهای پنجگانه می‌کند (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۲۲۱).

مفسران نظرات مختلفی درباره دلالت آیه دوم بر همه نمازها یا بخشی از آن دارند: ۱. نمازهای پنجگانه، ۲. نماز صبح و مغرب، ۳. نمازهای واجب و نافله شب.

بازدارندگی نماز از آلودگی‌ها به دو گونه است: ۱. ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ درباره دفع است؛ یعنی نماز مانع از آلوده شدن نمازگزار می‌شود. ۲. این آیه به رفع اشاره دارد؛ یعنی نماز، انسان آلوده به گناه را پاک می‌کند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹: ۵۵۶).

۵-۱-۳-۲. میزان صدا در نماز

﴿قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ (الإسراء/۱۱۰).

«جهر» به معنای «مبالغه در بلند کردن آواز» و «اخفات» به معنای «مبالغه در آهسته سخن گفتن» می‌باشد و حدّ وسط آن دو، معتدل حرف زدن است. بنابراین، معنای آیه این می‌شود که در نماز صدایت را خیلی بلند مکن و خیلی هم آهسته مخوان، بلکه حدّ وسط را رعایت نما. اگر این حد وسط را «سییل» خوانده، از این رو بوده که خواسته این گونه نماز خواندن در میان همه مسلمین رسم و سنت شود، تا همه گروندگان به دین اسلام این گونه نماز بخوانند. البته این در صورتی است که مراد از «بصلاتک» تک‌تک نمازها به طور استغراق باشد و اما اگر مراد از آن، مجموع نمازها (و شاید هم این ظاهرتر است)

باشد، در این صورت، معنای آیه این خواهد شد که در همه نمازها جهر مخوان و در همه آن‌ها اخفات ممکن، بلکه راه میانه را اتخاذ کن که در بعضی جهر و در بعضی اخفات کنی. این احتمال با آنچه در سنت اثبات شده که نماز صبح، مغرب و عشا بلند، و ظهر و عصر آهسته خوانده شود، مناسب‌تر است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۲۵).

پس از این دو حکم فرعی نماز که در مکه و در حدود سال هشتم بعثت نازل شده‌است، تا ده سال بعد، یعنی حدود سال پنجم هجرت که آیه ۴۳ سوره نساء (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ) نازل می‌شود، در آیات قرآن به هیچ یک از احکام فرعی نماز تصریح نشده‌است.

۵-۱-۴. بیان ارزش‌های هم‌افزا و همنشین با نماز

یکی از اصول نهادینه‌سازی یک ارزش در فرد و جامعه این است که ارزش‌های دیگری که در تحکیم آن تأثیر مثبت دارد و زمینه‌ساز شکل‌گیری یا عامل تثبیت آن ارزش در جان آدمی می‌شود، همراه با آن ترویج شود. از این‌رو، پس از آنکه بر اصل وجوب نماز و برپا داشتن آن تصریح شد، در ادامه به عناصری که نقش همنشینی و هم‌افزایی با نماز را دارند، تأکید می‌شود.

۵-۱-۴-۱. تقوا

﴿وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (الأنعام/۷۲).

با ذکر کلمه «وَاتَّقُوا» تمام عبادات و اعمال دین را خلاصه کرد و تنها از میان آن‌ها، نماز را اسم برد، برای اهمیت آن و عنایتی که خداوند در امر آن دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۴۵).

۵-۱-۴-۲. تمام عبادات

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الأنعام/۱۶۲).

این آیه سطح مخاطب را بالاتر می‌برد و از ظاهر نماز خارج می‌شود. باطن آن را در نظر می‌گیرد و از نیت انجام آن سخن می‌گوید، به گونه‌ای که تمام عبادات و اعمال کوچک و بزرگ فقط باید برای خداوند باشد و در غیر این صورت، هیچ ارزشی ندارند. عظمت نماز به اندازه‌ای است که هم در ردیف اصول دین یاد می‌شود و هم پیشاپیش همه فروع و عبادت‌ها. بنابراین، نماز رابط میان اصول دین و فروع آن است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۲۷: ۶۳۴).

۵-۱-۴-۳. پرداخت زکات - ایمان به آخرت

﴿الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (لقمان/۴).

مهم‌ترین ارزش هم‌افزا با نماز، پرداخت‌های مالی مانند انفاق و زکات است. انفاق تأثیر بسزایی در آماده‌سازی روح انسان برای عبادت و بندگی خدا دارد. از این رو، از نخستین آیاتی که درباره نماز نازل شده است، از انفاق یا زکات نیز سخن گفته می‌شود؛ مانند: المزمّل / ۲۰؛ فاطر / ۲۹ و مریم / ۳۱ و ۵۵. اما از سوره لقمان / ۴ به بعد، تأکید بر هم‌افزایی نماز و زکات پررنگ‌تر می‌شود.

در آیه ۱۷ سوره لقمان، امر به معروف و نهی از منکر و صبر در برابر مصیبت را در کنار نماز قرار می‌دهد. پس از آن، در آیه ۳۸ سوره شوری، اجابت فرمان پروردگار، مشورت کردن با مؤمنان و انفاق را هم‌نشین نماز قرار می‌دهد و در آخر آیه ۳۱ سوره ابراهیم، به انفاق در کنار نماز می‌پردازد. در آیات مربوط، مفسران به ارتباط بین نماز و سایر تکالیف پرداخته‌اند.

۵-۱-۵. برشمردن صفات نمازگزاران

در این مرحله، سطح مخاطب را بالاتر می‌برد و علاوه بر اینکه برپاداشتن نماز را جزء صفات حتمی مؤمنان می‌داند، صفات دیگری را هم در کنار آن در نظر می‌گیرد تا مؤمنان به اصل نماز نزدیک‌تر شوند.

۵-۱-۵-۱. خشوع در نماز

﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ (المؤمنون/۲).

خشوع در نماز هم به قلب است و هم به اعضا. خشوع قلب این است که از همه چیز اعراض کند و تنها متوجه پرستش و نیایش خدا باشد و خشوع اعضا این است که چشم را فرونهد و توجه به کسی و چیزی نکند و از کارهای بیهوده خودداری کند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۵۷).

۵-۱-۵-۲. حفاظت بر نماز

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (المؤمنون/۹ و المعارج/۳۴).

فخر رازی حفاظت بر نماز را به‌جا آوردن آن در وقت خود و طهارت داشتن و قیام بر ارکان آن می‌داند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳: ۲۶۳).

۵-۱-۵-۳. مداومت بر نماز

﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ (المعارج/۲۳).

اینکه کلمه «صلاة» را به ضمیر «هم» اضافه کرده‌است، دلالت دارد بر اینکه بر خواندن نمازشان مداومت داشته‌اند، نه اینکه دائماً در نماز بوده‌اند و ستودن آنان به مداومت در

نماز اشاره است به اینکه اثر هر عملی با مداومت در آن کامل می‌شود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۵).

۵-۶. بیان تأثیر نماز

﴿ اَنْلُ مَا اَوْحَىٰ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذَكَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴾ (العنکبوت/۴۵).

سیاق آیات شاهد بر این است که مراد از این بازداری، بازداری طبیعت نماز از فحشا و منکر است. البته بازداری آن به نحو اقتضا است، نه علیت تامه که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۳۳).

نظر امام قاضی درباره این آیه چنین است:

«اگر انسان هنگامی که به نماز می‌ایستد، به حالت خشوع و تواضع باشد و متذکر این شود که نزد خداوند ایستاده است و قلبش در اختیارش و در انجام فریضه اخلاص داشته باشد، این نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد» (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۱۹).

خداوند در این آیه، فرهنگ ادای نماز را طوری القای می‌کند که در صورت انجام درست آن، سالم ماندن جامعه را در ابعاد گسترده فحشا و منکر تضمین می‌کند و تأثیر بی‌نهایت آن را نه تنها در زندگی فردی، بلکه در زندگی اجتماعی خاطر نشان می‌سازد.

۵-۲. آیات مدنی

در فضای شرک آلود و مملو از آداب زشت و ناپسند جاهلی مکه، برای ایجاد تمدن و حیانی اسلام، بیش از هر چیز باید ساختارها و مبانی ذهنی و ثنیت را ریشه کن کرد و جهان‌بینی توحیدی را جایگزین آن نمود و بعد به زدودن آداب و رسوم جاهلی همت

گماشت و مردم را به اخلاق اسلامی متخلق ساخت و عمل به اوامر و نواهی الهی را خواستار شد. اما بعد از تشکیل جامعه اسلامی در مدینه و غلبه توحید، شرایط برای اجرای احکام الهی فراهم می‌گردد. از این رو، آیات مدنی بیشتر به مسئله نماز پرداخته است. در اینجا هم مثل آیات مکی و طبق ترتیب نزول، آیات را بر اساس محتوا دسته‌بندی می‌کنیم.

۱-۲-۵. بیان داستان بنی اسرائیل

مردم مکه رابطه چندانی با یهود نداشتند، اما هنگامی که مسلمین به مدینه هجرت می‌کنند، مجبور می‌شوند در کنار گروه‌هایی از یهود زندگی کنند و با آن‌ها ارتباط داشته باشند. از طرفی، مردم یهود هم خیلی زیر بار این تغییر روش در زندگیشان نمی‌رفتند. از این رو، در هیچ یک از آیات مکی مربوط به نماز از قوم بنی اسرائیل سخن به میان نیامده است، اما در آیات مدنی، به ویژه سوره بقره، دستورهای خداوند را به بنی اسرائیل مشاهده می‌کنیم. آیات ۴۳، ۴۵ و ۸۳ سوره بقره در باب این دستورها هستند.

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ (البقره/۴۳).

از آیه ۴۰ سوره بقره، خداوند با ندای «یا بنی اسرائیل» این قوم را خطاب می‌فرماید و دستورهایی را به آن‌ها القا می‌کند. به دنبال آن، در آیه ۴۳، فرمان برپاداشتن نماز را به این قوم صادر می‌کند. در آیات ۸۳ سوره بقره، ۵ سوره بینه و ۱۲ سوره مائده هم دستور به اجرای نماز در کنار سایر اعمال ادامه می‌یابد.

آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌فرماید:

«با اینکه دستور اخیر اشاره به مسئله نماز جماعت است، ولی از میان تمام افعال نماز، تنها "رکوع" را بیان کرده است و می‌گوید: "با رکوع کنندگان رکوع کنید". این تعبیر شاید به سبب آن باشد که نماز یهود مطلقاً رکوع نداشت. این نماز مسلمانان است که یکی از ارکان اصلی آن، رکوع محسوب می‌شود. جالب اینکه نمی‌گوید: نماز بخوانید، بلکه می‌گوید: "أَقِيمُوا الصَّلَاةَ" (نماز را به‌پا

دارید)؛ یعنی تنها خودتان نمازخوان نباشید، بلکه چنان کنید که آیین نماز در جامعه انسانی برپا شود و مردم با عشق و علاقه به سوی آن بیایند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۹).

گویی در این آیه، نگاه به جماعت است، نه تنها یک شخص، و می‌خواهد از طریق این اتحاد و برپاداشتن نماز به صورت همگانی آن را به شکل یک فرهنگ اجتماعی درآورد.

۵-۲-۲. نماز، وسیله یاری

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقره/۴۵).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (البقره/۱۵۳).

در آیه اول، دستور کمک خواستن از صبر و نماز را به بنی اسرائیل می‌دهد و در آیه دوم به مؤمنان. کلمه «استعانت» به معنای طلب کمک است و این وقتی صورت می‌گیرد که نیروی انسان به تنهایی نمی‌تواند حادثه‌ای را که پیش آمده، بر وفق مصلحت خود برطرف سازد. صبر و نماز بهترین وسیله برای پیروزی است، چون صبر هر بلا و یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می‌کند و نماز که اقبال به خدا و التجا به اوست، روح ایمان را زنده می‌سازد و به آدمی می‌فهماند که به جایی تکیه داده که انهدام‌پذیر نیست و به سببی دست زده که پاره‌شدنی نیست (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵۲).

آیت‌الله جوادی آملی ذیل آیه دوم می‌فرماید:

«نصر مطلقاً نزد خداست، لیکن یاری فرستادن خداوند مشروط است... دستور خداوند "استعانت به نماز" است نه از نماز؛ زیرا صبر و نماز وسیله قابلی است، نه مستعان فاعلی؛ یعنی این گونه امور وسیله قابلی است تا خداوند ناصر در انجام به وعده خود به نصرت مؤمنان اقدام کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۱۵۳).

ایشان دلیل "استعانت به نماز" را این گونه بیان می کنند:

«نماز که مناجات ویژه نمازگزار با خداست، حرم الهی محسوب می شود. از این رو، ابلیس از هراس شهاب ثاقب حریم می گیرد و در محاوره محرمانه عبد و مولا وارد نمی شود. از این رو، وسیله استعانت خوبی است تا نمازگزار نه تنها بر معضلات فائق شود، بلکه در پرتو آن استعانت به استقامت برسد» (همان، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۷۲).

در اینجا، سطح نماز را از یک عمل عبادی صرف بیرون می آورد و آن را وارد زندگی روزمره مردم می کند و به عنوان وسیله ای برای یاری جستن و مدد خواستن در امور زندگی معرفی می کند.

۳-۲-۵. برشمردن صفات مؤمنان

آیات مدنی در بطن جامعه اسلامی که افراد باایمان در آن زندگی می کردند، نازل شده است. در نتیجه، بیشتر به بررسی خصوصیات مؤمنان که شامل مسائل اعتقادی، مانند ایمان به غیب و احکام مانند ادای زکات در کنار برپایی نماز و اخلاق مانند صبر پرداخته است. آیه ۱۷۷ سوره بقره انفاق، زکات، ایمان، وفای به عهد و استقامت، آیه ۲۲ سوره رعد شکیبایی و انفاق، آیه ۳۷ سوره نور یاد خدا و زکات را در کنار نماز قرار داده اند. آیات ۳۵ و ۴۱ سوره حج، ۱۳ سوره مجادله، ۱۸ و ۷۱ سوره توبه هم ابعاد دیگری از ویژگی مؤمنان را مطرح می کنند.

۴-۲-۵. کسالت در نماز

در مکه، افراد یا مؤمن بودند و یا کافر، و زمینه ای برای نفاق پیش نیامده بود، اما در مدینه برای اینکه بتوانند از منافع دو گروه استفاده کنند، این خصلت در بعضی افراد به

وجود آمد. در آیات زیر، کسالت منافقان هنگام نماز خواندن را یکی از ویژگی‌های آنان برمی‌شمارد:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (النساء/۱۴۲).

﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ﴾ (التوبه/۵۴).

در مکه تنها افراد باایمان نماز می‌خواندند، اما در مدینه وقتی بستر جامعه، اسلامی شد، بیشتر مردم مجبور به ادای این فریضه شدند. از این رو، در این دو آیه، منافقان را از طریق نماز به مردم می‌شناساند. فخر رازی سست بودن منافقان در نماز را دلیل این می‌داند که آن‌ها امیدی به ثواب انجام نماز و عقاب ترک آن ندارند و انجام‌دهنده آن فقط به سبب ترس از مردم نماز می‌خواند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱: ۲۴۸).

تعبیر به قلت در «لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» بدان سبب است که: ۱- ذکر آنان با تقوا همراه نیست. پس مطرود است و آنچه مطرود خداست، زیاد نیست. ۲- ذکر آنان بی‌محتوا، بی‌اثر و از بین رفتنی است. ۳- آنان برای دنیا و در صبغه دنیایی به یاد خدایند، نه در صدق و باطن، و متاع دنیا اندک است. پس ذکر آن‌ها اندک است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۸۹).

۵-۲-۵. پرداختن بیشتر به احکام نماز علوم انسانی

در مدینه، جامعه اسلامی شکل گرفت و مردمی با بنیادهای فکری توحیدی و تا حدودی متخلق به اخلاق اسلامی کنار هم جمع شدند. در چنین فضایی، برای تثبیت تمدن و حیاتی اسلام باید به دنبال تکثیر و تداوم عمل به احکام شریعت بود، تا در سایه

آن، ملکات اخلاقی تثبیت شود و به دنبال آن، جوهره اعتقادی مسلمانان توسعه یابد. در آیات زیر، احکامی چند مربوط به نماز بیان خواهد شد.

۵-۶۲. موانع برپاداشتن نماز

این آیه مواقعی را که نباید به نماز نزدیک شد، از جنب بودن و مست بودن ناشی از مصرف مسکرات بیان می‌کند. همچنین، زمان‌هایی را برمی‌شمارد که تیمم جایز است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا﴾ (النساء/۴۳).

مراد از «الصَّلَاة» در این آیه، یا نماز است به قرینه «حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...» و یا اینکه مقصود، مکان صلات، یعنی مسجد است به قرینه «وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ». البته اگر «عَابِرِي سَبِيلٍ» به مسافر تفسیر شود، مقصود از صلات، خود نماز خواهد بود، نه مکان آن (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۳۲).

از آیه فوق چند حکم اسلامی استفاده می‌شود:

- الف) تحریم نماز در حال مستی. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ب) باطل بودن نماز در حال جنابت، مگر مسافری که گرفتار بی‌آبی شود. در این حال، نماز خواندن به شرط تیمم جایز است.
- ج) جواز نماز خواندن یا عبور از مسجد بعد از غسل کردن که با جمله «حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا» بیان شده است.

د) تیمم برای افراد معذور (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۹۵).

۵-۶-۱. نماز شکسته

﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (النساء/۱۰۱).

ممکن است مقید ساختن حکم قصر به مسئله «خوف» به سبب یکی از چند مورد زیر باشد:

الف) این قید ناظر به وضع مسلمانان آغاز اسلام است و به اصطلاح، قید غالبی است؛ یعنی غالباً سفرهای آن‌ها توأم با خوف بود و همان گونه که در علم اصول گفته شده است، «قیود غالبی» مفهوم ندارند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۲۷۲).

ب) بعضی از مفسران معتقدند که مسئله نماز قصر نخست به هنگام خوف تشریح شد. سپس این حکم توسعه پیدا کرد و به همه موارد عمومیت یافت.

ج) ممکن است این قید جنبه تأکید داشته باشد؛ یعنی نماز قصر برای مسافر همه جا لازم است، اما به هنگام خوف از دشمن تأکید بیشتری دارد.

در هر حال، شک نیست که با توجه به تفسیر آیه در روایات فراوان اسلامی، نماز مسافر اختصاصی به حالت ترس ندارد و به همین دلیل، پیامبر نیز در مسافرت‌های خود و یا حتی در مراسم حج (در سرزمین منی) نماز شکسته می‌خواند (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴: ۹۶).

۵-۶-۲. نماز در میدان جنگ

﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً﴾

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿النساء/۱۰۲﴾

نماز جماعت در اسلام واجب نیست، ولی از مستحبات فوق العاده مؤکد است و آیه فوق یکی از نشانه‌های تأکید این برنامه اسلامی است که حتی در میدان جنگ برای انجام آن از روش نماز خوف استفاده می‌شود. این موضوع هم اهمیت «اصل نماز» و هم اهمیت «جماعت» را می‌رساند و مطمئناً تأثیر روانی خاصی هم در مجاهدان از نظر هماهنگی در هدف و هم در دشمنان از نظر مشاهده اهتمام مسلمانان به وظایف خود، حتی در میدان جنگ دارد (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۰۲).

از نظر فقهی، اگر نماز خوف را به دو صورت فردی و جماعت بتوان برپا داشت، جماعت مستحب صرف نیست، بلکه مصداق کامل واجب است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۲۹۵).

۳-۶-۲-۵. اهمیت نماز جمعه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (الجمعة/۹).

جمله «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ» اشاره به این است که ترک کسب و کار و اقامه نماز جمعه منافع مهمی برای مسلمانان در بر دارد. البته ترک خرید و فروش مفهوم وسیعی دارد که هر کار مزاحمی را شامل می‌شود (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۱۲۷).

۴-۶-۲-۵. احکام وضو و تیمم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا

فَأَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يَرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ
وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿المائدة/۶﴾.

«کلمه "قیام" وقتی با حرف "الی" متعدی شود، کنایه از خواستن چیزی است که قیام در آن استعمال شده‌است و در نتیجه، معنای جمله "قام إلى الصلاة" این می‌شود که "فلانی خواست نماز بخواند"... آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه نماز مشروط به شرطی است که در آیه آمده‌است؛ یعنی شستن و مسح کردن که همان وضو باشد... حاصل معنای مجموع آیه این است که اگر جنب نباشید و بخواهید به نماز بایستید، باید وضو بگیرید، اما اگر جنب بودید، باید خود را طاهر سازید... چرا خدای تعالی در میان عذرهای تنها سفر و بیماری را ذکر کرد و در میان موجبات وضو و غسل، تنها مسئله غائط و تماس با زنان را آورد؟ هدف، آوردن نمونه‌هایی است که انسان اتفاقاً مبتلا به بی‌آبی می‌شود و از مواردی که طبعاً پیش می‌آید، بیماری و سفر است که آدمی در این دو حال غالباً در معرض و در مظنه بی‌آبی قرار می‌گیرد و از مواردی که احیاناً به طور اتفاق پیش می‌آید، غائط و جنابت است که دست نیافتن به آب در این دو حال اتفاقی است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۱۹).

۵-۶-۲-۵. شراب و قمار مانع نماز

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ ﴿المائدة/۹۱﴾.

در این آیه بیان می‌کند که شیطان به وسیله شراب و قمار قصد تفرقه‌افکنی بین شما و بازداریتان از ذکر، خدا و نماز را دارد. علامه طباطبائی دلیل اینکه نماز را جدای از ذکر خدا به کار برده، با اینکه نماز هم ذکر خداست، چنین بیان می‌کند: «چون نماز فرد کامل از ذکر است، خداوند اهتمام بیشتری به امر آن دارد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۲۳). در

اینجا، موانع مهمی را که مانع ادای نماز می‌گردد، اعلام می‌دارد و به طور غیرمستقیم حرام بودن شراب و قمار را گوشزد می‌کند و دلایل این حکم را نیز بیان می‌کند.

۵-۶۶-۲. دوستی نکردن با مسخره‌کنندگان نماز

﴿وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾
(المائدة/۵۸).

در آیه ۵۷ این سوره، بحث دوستی نکردن با افرادی که دین را به تمسخر می‌گیرند، مطرح می‌شود و به دنبال آن، در این آیه به یکی از اعمال آن‌ها به عنوان شاهد و گواه اشاره می‌کند و می‌گوید: «هنگامی که شما مسلمانان را به نماز دعوت می‌کنید، آن را به باد استهزا و بازی می‌گیرند».

علامه طباطبائی مراد از «نَادَيْتُمْ» را اذانی می‌داند که در اسلام قبل از هر نماز واجب یومیه تشریح شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۸). اما آیت‌الله جوادی آملی عقیده دارند که اگر ضمیر «ها» در «اتَّخَذُوهَا» به منادات برگردد، استهزای اذان مراد است و چنانچه به «الصَّلَاةِ» برگردد، استهزای نماز مراد است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۳: ۱۷۲).

۵-۲-۷. الگوسازی

الگوسازی در سوره‌های مکی بیش از سوره‌های مدنی است. در سوره‌های مدنی، دو الگو معرفی شده است:

- حضرت مریم: ﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ (آل عمران/۴۳).

جمله ﴿وَارْكَعِي مَعَ الرَّائِعِينَ﴾ با رکوع کنندگان رکوع کن ﴿ممکن است اشاره به نماز جماعت داشته باشد و نیز ممکن است اشاره به پیوستن به جمعیت نمازگزاران و خاضعان در برابر خدا باشد؛ یعنی همان طور که دیگر بندگان خالص خدا برای او رکوع به جا می‌آورند، تو نیز رکوع کن (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۴۳).

در تفسیر تسنیم، ذیل این آیه آمده است:

«ندای مزبور از سنخ وحی فعل است، نه وحی حکم؛ یعنی گرایش به قنوت و علاقه قلبی به سجود و تمایل درونی به رکوع، همگی از سنخ افعال‌اند... جمله ﴿وَارْكَعِي مَعَ الرَّائِعِينَ﴾ به شرکت در نماز جماعت اختصاص ندارد، بلکه می‌تواند به این معنا باشد که «آیین نمازگزاران را داشته باش» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۳).

- همسران پیامبر: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (الأحزاب / ۳۳).

اگر از بین همه اوامر، فقط نماز و زکات را ذکر نمود، برای این است که این دو دستور رکن عبادت و معاملات است و بعد از ذکر این دو به طور جامع فرمود: «او خدا و رسولش را اطاعت کنید» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۲).

۵-۲-۸. ویژگی ولایت

در جامعه اسلامی مدینه که افراد مسلمان گرد هم آمده‌اند، بیان مبانی هم عمق بیشتری پیدا می‌کند تا در راستای آن، حکومت اسلامی جاودانه بماند. از این رو، به طور غیرمستقیم به ابلاغ امامت علی بن ابی طالب از طریق نماز می‌پردازد: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (المائدة/۵۵).

برخی مفسران ولایت را در این آیه به معنای «سرپرست» و «رهبر» می‌دانند. دلایل آن‌ها برای اثبات این نظریه چنین است:

۱- واژه «إِنَّمَا» برای حصر حقیقی و مطلق است؛ یعنی فقط خدا ولیّ شماست و چون ولایت نصرت و محبت به خدا اختصاص ندارد و عام است، باید مراد از ولایت در آیه نیز ولایت خاص و انحصاری باشد که همان رهبری است.

۲- ولایت مطرح در آیه، یکسویه است؛ یعنی در امت اسلامی، ولایت در انحصار خدا، رسول و مؤمنانی خاص می‌باشد، نه اینکه همه امت، ولیّ یکدیگر باشند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۳: ۵۶).

در تفسیر نمونه هم دلایل زیر مطرح می‌شود:

۱- کلمه ولایت به معنای «نصرت» با سیاق و خصوصیات که در آن آیات است، به ویژه جمله ﴿... بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ...﴾ (المائدة/۵۱) سازگار نیست؛ زیرا ولایت به معنای «نصرت»، یک قرارداد بود که بین دو قبیله با شرایط خاصی منعقد می‌شد و این عقد باعث نمی‌شد که دو قبیله یکی شوند و از رسوم و عقاید خود چشم‌پوشند. حال آنکه در این آیه، ولایت امری است که عقد آن باعث پیوستن یکی به دیگری است، چون می‌فرماید: «هر کس از شما ولایت آنان را داشته باشد، از ایشان خواهد بود». اگر ولایت به معنای «محبت» باشد، در آن صورت، این تعلیل بسیار بجا و موجه خواهد بود؛ زیرا مودت مربوط به جان آدمی است و باعث امتزاج و اختلاط روحی بین دو طایفه می‌شود و تأثیر این اختلاط در تغییر سنن قومی و اغماض از خصایص ملی آشکار است.

۲- در هیچ جای قرآن، رسول‌الله را یاور مؤمنان نخوانده‌است. ساحت کلام الهی منزّه‌تر از آن است که نسبت به احترام‌های لازم‌الرعاية آن جناب مسامحه ورزد و این خود قوی‌ترین دلیل است بر این است که در قرآن، هر جا ولایت به پیغمبر نسبت داده شده،

مقصود از آن، ولایت در تصرف یا محبت است. در این آیه، روی سخن با مؤمنان است و معنا ندارد پیامبر یاور آن‌ها باشد.

۳- روایات بسیاری از طریق امامیه و اهل سنت دلالت بر این دارند که این آیه در شأن علی بن ابی طالب نازل شده است که در نماز انگشتر خود را صدقه داد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۶).

۴- در عرف شرع و اصطلاح قرآن، هنگامی که «رکوع» گفته می‌شود، به همان معنی معروف آن، یعنی رکوع نماز است.

۵- ذکر جمله ﴿...يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...﴾ شاهد بر این موضوع است. ما در هیچ جای قرآن نداریم که تعبیر شده باشد زکات را با خضوع بدهید، بلکه باید با اخلاص نیت و بدون منت داد.

۶- ولایت به معنی دوستی و یاری کردن مخصوص کسانی نیست که نماز می‌خوانند و در حال رکوع زکات می‌دهند، بلکه یک حکم عمومی است که همه مسلمانان را در بر می‌گیرد، حتی کسانی که زکات بر آن‌ها واجب نیست (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۲۴). اما گروهی دیگر از مفسران «ولایت» را در این آیه طبق وحدت سیاق به معنای «نصرت» گرفته‌اند و «رکوع» را در معنای مجازی خود، یعنی خضوع در برابر خداوند دانسته‌اند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱: ۳۸۲).

۹-۲-۵. راه نجات مشرکان

در مکه، سیر هدایت قرآن به صورت خودسازی و جریان‌سازی است و در ادامه آن، در مدینه به شکل جامعه‌سازی و جهانی‌سازی است؛ مانند جهاد با دشمنان دین. در دو آیه زیر به بحث قتال با مشرکان می‌پردازد، اما به دنبال آن، قید توبه و برپاداشتن نماز و ادای زکات آنان را هم در نظر گرفته است که در آن صورت، حکم قتال با مشرکان از بین می‌رود:

- ﴿فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَ
 أَحْضَرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ إِن تَابُوا فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ
 اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (التوبة/۵).

- ﴿فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ فِي الدِّينِ وَنَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
 يَعْلَمُونَ﴾ (التوبة/۱۱).

امر به از میان برداشتن مشرکان پیمان شکن بعد از انقضای مهلت چهارماهه است. تشریح این حکم برای آن بود که کفار را در معرض انقراض قرار دهد و مردم را از خطرهای معاشرت با آنان نجات دهد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۵۱).

برخی از تفاسیر، ذکر اقامه نماز و ادای زکات را شهادی بر بازگشت مشرکان و دلالت بر راستگویی آنها می دانند (ر.ک؛ همان، ج ۹: ۱۵۳ و ابن عاشور، بی تا، ج ۱۰: ۲۴).

آیت الله مکارم شیرازی هم منظور از ذکر این دو دستور را چنین بیان می کند:

«در تمام مواردی که ادعای گرویدن به اسلام مشکوک به نظر برسد، انجام این دو وظیفه را به عنوان نشانه ای برای اسلام آوردن آنها قرار داد و یا اینکه منظور این است که آنها نماز و زکات را به عنوان دو قانون الهی بپذیرند و به آن گردن نهند. هرچند از نظر عمل، در کار آنها قصوری باشد؛ زیرا دلایل فراوانی داریم که تنها با ترک نماز و یا زکات، انسان در صف کفار قرار نمی گیرد» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۹۵).

آیت الله جوادی آملی هم در این زمینه می گوید: «موحد شدن برای عصمت خون مشرک کافی است و اقامه نماز و پرداخت زکات از عناصر محوری توبه و شرط اصل قبول آن نیستند، بلکه شرط های کمال توبه اند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳: ۲۶۱).

نتیجه‌گیری

آیات نماز بر اساس ترتیب نزول مراتب و مراحل طی می‌کند. اولین مرحله، تبیین اثر نماز یا ترک آن در سعادت یا شقاوت انسان است؛ بدین صورت که اولین آیه، ناهی نماز را نکوهش می‌کند و به دنبالش تهدید به عذاب می‌کند. پس از آن به صورت یکی در میان تشویق نمازگزاران و دادن وعده‌های نیکو و نکوهش مخالفان نماز و وعید دادن به عذاب را می‌بینیم؛ زیرا برای زمینه‌سازی یک فرهنگ، هم تشویق طرفداران آن لازم است و هم تنبیه کسانی که با آن سر‌عنناد دارند. پس از آن مرحله، پیامبرانی را به عنوان الگو معرفی می‌کند که آنان هم برپاکننده نماز بودند تا مردم بدانند این یک سنت همیشگی بوده‌است و برای انجام آن ترغیب شوند. سپس احکامی چند درباره نماز را بیان می‌کند. بعد از آن، به بیان ارزش‌های هم‌نشین با نماز، مانند زکات و انفاق می‌پردازد که مؤمنان موظف به ادای آن‌ها هستند. آنگاه دوباره نمونه‌هایی از الگوسازی را می‌بینیم؛ گویی انسان‌ها مدام نیاز به یک نماد برای ثابت‌قدم بودنشان دارند. در مرحله بعد، سطح سخن را بالاتر می‌برد و مؤمنان را صاحب صفاتی در نماز می‌داند؛ مانند خشوع و حفاظت در نماز. سپس به اختصار به تأثیر نماز در دور نگه‌داشتن انسان‌ها نسبت به فحشا و منکر می‌پردازد. در سوره‌های مکی، با توجه به محیط شرک‌آلود آنجا، آیات بیشتر در زمینه اعتقادات است تا ابتدا ذهن افراد را آماده کند و بعد به فرعیات پردازد، اما سوره‌های مدنی به دلیل وجود جامعه توحیدی، بیشتر به مسائل احکامی و اخلاقی پرداخته‌است. به همین دلیل، آیات نماز در سوره‌های مدنی بیشتر مشاهده می‌شود. از طرفی، به سبب وجود یهودیان در مدینه، داستان‌هایی از بنی اسرائیل بیان می‌شود که در آن به برپایی نماز سفارش شده‌اند. پس از آن، نماز را به عنوان یک وسیله برای یاری خواستن در کارها معرفی می‌کند. به دلیل وجود جامعه اسلامی، در مرحله بعد که بیشترین حجم آیات نماز را شامل می‌شود، به بیان صفات مؤمنان از جمله برپا داشتن نماز اشاره می‌کند. در مدینه، به سبب روی کار آمدن منافقان، آیاتی را هم به نماز خواندن کسالت‌بار آن‌ها اختصاص داده‌است. در مرحله بعد، به بیان احکام می‌پردازد و آنگاه دوباره الگوسازی می‌کند. در

آخر هم به دلیل اینکه در مدینه سیر هدایت به صورت جامعه‌سازی است، عمق بیشتری به مطلب می‌بخشد و تا معرفی کردن ولایت پیش می‌رود و نماز را یکی از راه‌های نجات مشرکان برمی‌شمرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسة التاریخ.
ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق.). *المحرر الوجیز*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن فارس، احمد. (۱۹۹۱م.). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام هارون. بیروت: دارالجبیل.

ابن منظور، عبدالله. (۱۴۰۸ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (بی تا). *الفهرست*. بیروت: دار المعرفة.
اسماعیلی زاده، عباس و محمد مهدی اجلیان مافوق. (۱۳۸۹). «رهیافتی نو بر نحوه تعلیم اعتقادات، اخلاق و احکام در سیر نزول قرآن». *مطالعات اسلامی*. د ۴۲. ش ۸۵. صص ۵۱-۸۴.

بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۸۹). «رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول». *پژوهش‌های قرآنی*. ش ۶۲-۶۳. صص ۲۶-۷۱.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). *تفسیر تسنیم*. قم: انتشارات اسراء.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *معجم مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دار القلم.

زبیدی، مرتضی. (۱۴۲۲ق.). *تاج العروس من جواهر القاموس*. تحقیق عبدالصبور شاهین. کویت: التراث العربی.

زین الدین، حسن. (بی تا). *معالم الدین*. چ ۹. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- سبحانی، جعفر. (۱۳۹۱). *فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام*. چ ۳۰. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.
- شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۹). «تفسیر بر اساس ترتیب نزول با سه قرائت». *پژوهش‌های قرآنی*. ش ۶۲-۶۳. صص ۹۰-۱۲۳.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. چ ۳. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق.). *العین*. چ ۲. قم: هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ق.). *القاموس المحیط*. چ ۸. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- قائمی مقدم، محمدرضا. (۱۳۸۹). «روش الگویی در تربیت اسلامی». *معرفت*. ش ۶۹. صص ۲۵-۳۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق.). *الکافی*. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر. (بی تا). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. تحقیق محمدباقر محمودی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴ق.). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. چ ۲. تحقیق سید هاشم رسولی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معرفت، محمد هادی. (بی تا). *تاریخ قرآن*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.

میمندی، وصال و شکوفه شریفی فر. (۱۳۹۶). «تبارشناسی واژه صلاة». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. ش ۱۱. صص ۶۹-۸۶.

نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۰۹ق). *مستدرک سفینه البحار*. تهران: مؤسسه البعثة.

نوری طبرسی، حسین. (۱۳۸۲). *مستدرک الوسائل فی مستنبط المسائل*. قم: المكتبة الاسلامية.

نهج البلاغه. (۱۳۹۰). ترجمه محمد دشتی. قم: اشکذر.

یعقوبی، احمدبن واضح. (۱۹۶۴م). *تاریخ یعقوبی*. نجف: المكتبة الحیدریة.

خبرگزاری فارس. «شبكة معنایی موضوعات قرآن: معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ <https://www.farsnews.com>.

پایگاه اطلاع‌رسانی اسراء؛ <http://news.esra.ir>؛ تاریخ آخرین بازنگری: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری؛ <https://www.leader.ir/fa>؛ تاریخ آخرین بازنگری: ۱۳۹۸/۰۲/۲۶.